

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کار

آموزان وکالت (۱۸)

مقدمه و مطالب هجدهم؛

۱- در صورتیکه وکیل پس از تعلیق پروانه خود را تحویل ندهد ۲- تظاهر به استعمال مسکر و افیون و مراوده در اماکن فساد ۳- وکیلی که واجد شرایط اخذ پروانه وکالت نبوده و بر خلاف قانون پروانه وکالت اخذ نموده است.

مقدمه:

همانگونه که در مطالب قبلی بدان اشاره شد؛ حقیقت در این سلسله مطالب ، مراقبت از همکاران جهت رویارویی و برخورد با اعمال نافی شئونات شغل وکالت است تا دیگران اعم از عام و خاص به خود اجازه حضور در حریم وکلا ننمایند. و ما خود می بایست از شغل و شرف خود حفاظت کنیم و با عملکردمان به سایرین ثابت نمائیم که وکیل نامش مقدس و عملش ابتدا در

راه رضای خدا و در پیشبرد قانون در جامعه است . امیدوارم مطالب مفید واقع گردد.

مطالب هجدهم:

۱- در صورتیکه وکیل پس از تعلیق پروانه خود را تحویل ندهد:

مواردیکه در قانون به موضوع تعلیق وکیل اشاره می گردد؛

ماده ۵۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: در صورتیکه حضور وکیل برای رسیدگی

مقدماتی انتظامی و یا محکمه انتظامی لازم و احضار شده و بدون عذر موجه

حاضر نگردیده یا در موعد مناسبی که برای اومعین شده جواب کتبی

استیضاح را ندهد، وزارت عدلیه می تواند او را موقتا" تا خاتمه رسیدگی از

وکالت معلق نماید .

ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵

ماده فوق الاشعار را نسخ می نماید بدین شرح که : از تاریخ اجرای این

قانون هیچ وکیلی را نمی توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به

موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی .

البته شاهد تعلیق همکاران و کالتی بوسیله محاکم انقلاب دستگاه قضا هستیم که به نظر این حقیر ماده فوق الاشعار که قانون خاص است قانون عام را در این خصوص تخصیص می دهد با این توضیح که؛

وفق ماده ۱۷ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳ هیچ وکیلی را نمی توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی . مطابق ماده ۱۷ و ۱۹ و ۶۲ مکرر و بند "و" ماده ۶۲ مکرر از قانون مجازات اسلامی دادگاه اختیار د رمحروم کردن وکیل دادگستری از حقوق اجتماعی را دارد. اما قانون مجازات اسلامی یک قانون عام و قانون لایحه استقلال یک قانون خاص محسوب می گردد . با علم به اینکه قانون لایحه استقلال مسبق به قانون مجازات اسلامی بوده و قانون مجازات اسلامی قانون لاحق است هرگز قانون عام لاحق توانایی نسخ قانون خاص سابق را ندارد. مطابق اصول فقه چه قانون عام لاحق بر قانون خاص باشد چه مقارن باشد قادر به نسخ قانون خاص نیست و این قانون خاص یعنی لایحه قانونی استقلال است که قانون مجازات اسلامی را تخصیص می دهد چرا اینکه مراد واقعی قانونگذار را بیان می دارد نه موارد کلی را.

ماده ۵۵ قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ که وکلای معلق را از هرگونه تظاهر و مداخله در امر وکالت ممنوع می کند این ماده صراحتاً "اعلام می دارد؛ ((وکلاء معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاوره حقوقی و غیره اختیار کند و یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در موسسات خود را اصیل در دعوی قلمداد نمایند. متخلف از یک الی شش ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد .

ماده ۵۹ آئین نامه قانون وکالت (نظامنامه) مصوب ۱۳۱۶؛

وکلاء مکلفند در ظرف ۲۴ ساعت پس از اعلام تعلیق ، پروانه وکالت و دفاتر وکالتی خود را در مرکز به قسمت تشکیلات وکلاء و در ولایات به مدعیان عمومی که سمت نمایندگی دفتر کل بازرسی و تشکیلات وکلاء را دارند تسلیم نمایند که تا تعیین تکلیف قطعی آنها در پرونده آنها بایگانی شود. این ماده شامل اشخاصی که قبل از اجرا قانون وکالت معلق گردیده اند نیز می باشد و تا تعیین تکلیف قطعی پروانه و دفاتر در پرونده وکیل معلق

موقتاً" بایگانی می شود. متخلف به مجازات انتظامی از درجه چهار به بالا محکوم خواهد شد.

در خصوص تعلیق وکیل ؛

ماده ۱۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ اعلام می دارد؛ در صورتی که وزیر دادگستری یا رئیس هیات مدیره کانون وکلاء به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کاروکالت مقتضی نداند می تواند از دادگاه انتظامی وکلاء تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رای بر تعلیق صادر شود این رای قابل اجرا خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیات مدیره کانون، رئیس کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رای مزبور وکیل معلق می تواند تقاضای تجدیدنظر نماید و نیز از رای عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رئیس کانون وکلاء حق تقاضای تجدیدنظر دارند.

ماده ۸۷ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ اعلام می دارد؛ در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه

یا جنایت کیفر خواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلاء رجوع می شود و در صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می نماید و حکم مزبور موقتا" قابل اجراست و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقا" و در مورد جنحه هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلاء ادامه وکالت منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون ، آگهی و به دادگاهها ابلاغ می شود.

شماری از نظریات اداره حقوقی و کمیسیونهای تخصصی در خصوص موضوع مقاله:

(نظریه کمیسیون استفتائات مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۷)

نظر به اینکه آثار مترتب بر تعلیق و انفصال یکسان است ، بنابراین چنانچه وکیل تعلیق شده به انفصال محکوم گردد، مدت تعلیق وی باید جزء مجازات انفصال محاسبه گردد.

(نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۷۰۱۳ مورخ ۵۷/۱۲/۲۳)

سوال: وکالتنامه های وکلایی که قبل از تعلیق آنان از وکالت تنظیم شده و در جریان محاکمه قرار گرفته است پس از رفع تعلیق قابل ترتیب اثر می باشد یا اینکه باید وکالتنامه مجدد تنظیم شود؟

نظر مشورتی اداره حقوقی به شرح زیر است :

به طور کلی دوام و بقاء وکالت بستگی به اراده و قصد طرفین عقد دارد نه اشخاص حقیقی یا حقوقی ثالث . به علاوه تنظیم وکالتنامه جدید پس از اتمام مدت تعلیق وکیل مستلزم پرداخت عوارض و ابطال تمبر برای بار دوم خواهد بود، در صورتی که از در آمد حق الوکاله فقط یک دفعه مالیات گرفته می شود، لذا به مصداق (اذا زال المانع عاد الممنوع) وکیل می تواند پس از اتمام دوران تعلیق بر طبق اختیارات قانونی خویش در امر وکالت اقدام نماید مگر اینکه طرفین عقد وکالت خود مستقیماً "تصمیم دیگری اتخاذ نمایند.

(نظریه اداره حقوقی به شماره ۹/۹۷۱ مورخ ۱۳۷۶/۴/۸)

با انقضای مدت تعلیق وکیل نیاز به تجدید وکالتنامه مجدد نیست .

سوال: آیا وکیل معلق از شغل وکالت ، پس از رفع تعلیق ، با وکالتنامه سابق می تواند در همان نسبت به وکالت از موکل خویش اقدام و ادامه دهد یا خیر ؟

نظریه اداره حقوقی

نظر به اینکه اولاً " تعلیق به معنای سلب صلاحیت وکیل نیست، بلکه صرفاً گویای عدم امکان وکالت در برهه ای از زمان تا روشن شدن تکلیف و رسیدگی به اصل مسئله می باشد . ثانیاً " موارد مرتفع شدن وکالت در ماده ۶۷۸ قانون مدنی احصاء و مشخص گردیده و تعلیق یکی از موارد مذکور نمی باشد . ثالثاً " فرض سوال این است که موکل ، وکیل خود را از وکالت عزل نموده و مشار الیه هم از وکالت استعفا نکرده و از وکیل رفع تعلیق گردیده است . بنابراین نیازی به تجدید قرار داد وکالت جدید نیست .

(نظریه شماره ۲۵۴۵۶ مورخ ۸۲/۱۱/۱۵ کمیسیون اداره حقوقی)

عطف به نامه شماره ۱۳۳۹۷ مورخ ۸۲/۶/۱۳ موضوع در کمیسیون تخصصی

امور حقوقی کانون مرکز مطرح و به شرح آتی اظهار نظر گردید:

سوال) وضعیت وکیل معلق در ایام تعلیق به چه صورت می باشد؟

جواب) از آنجائیکه وکیل معلق در مدت تعلیق ممنوع از وکالت است به نظرمی رسد در مدت تعلیق صلاحیت وکیل وکالت ندارد و عدم صلاحیت شامل دعاوی مطروحه از سابق و نیز قبول وکالت های جدید است در خصوص پرونده های مطروحه از سابق حسب مورد می بایست با اعلام مراتب به موکل و یا توکیل غیر اقدام نماید . همچنین در مدت تعلیق حق سرپرستی کاراموزان را ندارد و مراتب را می بایست به کانون وکلاء اعلام کند تا حسب مورد نسبت به انتخاب سرپرست دیگر اقدام شود اجرای حکم تعلیق از سوی دادستان انتظامی یا هیات مدیره قابل تعلیق نیست .

۲- تجاهر به استعمال مسکر و افیون :

تجاهر د ر لغت یعنی کاری را بصورت علنی و آشکار انجام دادن، ماده ۷۹ آئین نامه لایحه استقلال کانون وکلاء دادگستری مصوب ۱۳۳۴ اعلام می دارد؛ ((متخلف از هر یک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ و یا ۴ محکوم خواهد شد : ۱- از تجاهر به استعمال مسکر و افیون و سایر مواد مخدره و مراوده در اماکن فساد اجتناب نماید...))

حال سوال ایجاد می گردد اگر وکیلی تجاهر به اعمال نافیه فوق نکند بلکه در خفی این اعمال را انجام دهد مرتکب تخلف انتظامی گردیده یا خیر؟ در پاسخ اعلام می گردد، اعمال فوق خود دارای مجازات کیفری است در صورت ارتکاب اعمال فوق توسط وکیل در آشکار، این حق را به داسرای کانون می دهد که با اعلام هر شخص حقیقی یا حقوقی و گزارش عملکرد وکیل به شکل فوق مدلل و با مستندات با وکیل خاطی برخورد گردد اما اگر در هر شکل و به هر طریقی وکیلی اقدام به اعمال فوق چه در خفی و چه آشکارا نماید و از طریق مراجع قضایی به موضوع رسیدگی شود پس از صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست، داسرای کانون حق دارد پس از رویت کیفرخواست، وکیل خاطی را تا تعیین تکلیف نهایی از وکالت معلق نماید. ماده ۸۷ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ که در مطلب قبلی در خصوص تعلیق وکلاء بدان اشاره شد صراحتاً به این موضوع اذعان دارد. پس از اتمام رسیدگی در صورتیکه وکیل اتهامش به اثبات رسید، طبق قانون وکالت و آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، با توجه به اینکه اعمال وکیل خاطی جزء اعمال خلاف شان وکالت است با وی برخورد می گردد. یعنی غیر از اینکه

وکیل به مجازات قانونی عمل ارتكابی خود در دادگاه عمومی محکوم می گردد ، طبق قوانین وکالتی نیز مجازات خواهد شد .

۳- وکیلی که واجد شرایط اخذ پروانه وکالت نبوده و برخلاف قانون پروانه وکالت اخذ نموده است :

ماده ۸۲ آئین نامه لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری اعلام می دارد ؛
(متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد بود
بند۱- کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجراء این آئین نامه کتبا" به قانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نماید و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردیده باید ظرف ۱۰روز از تاریخ فاقد شدن شرط، قانون را کتبا" مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نماید))

این ماده قانون در راستای مجازات اشخاصی که مستحق قانونی دریافت پروانه وکالت محسوب نمی شدند تصویب شده و می توان آنرا مجازات

قانونی ماده ۱۰ لایحه قانونی استقلال قانون وکلاء دادگستری مصوب ۱۳۳۳

محسوب نمود که اعلام می دارد؛ ((به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی شود: ۱- اتباع خارجه، ۲- قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه، ۳- محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد، ۴- محکومین به انفصال ابد از خدمات دولت، ۵- اشخاص مشهور به فساد اخلاق یا تجاهر به استعمال مسکر - افیون و اعمال منافی عفت، ۶- محکومین به جنایت مطلقاً" و محکومین به جنحه هایی که منافی با امانت و عفت و شان وکالت است به تشخیص هیات مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی است. ۷- کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایت یا جنحه های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند. ۸- اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده اند.))

با توجه به اهمیت موضوع؛ ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶ نیز شرایط لازمه برای اخذ پروانه کارآموزی وکالت را بیان می نماید؛ که در صورت عدم دارا بودن این شرایط، در صورتی که

شخص پروانه وکالت نیز دریافت نماید در هر زمان کانون متوجه این امر شود مطابق بند ۱ ماده ۸۲ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای و بر خورد خواهد نمود.

عبدالله سماوی وکیل پایه یک دادگستری

دادیار دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز